



گذشته ۱۰۰ میلیارد تومان به‌دکار بوده‌و امسال ۲۳ میلیارد به آن اضافه شده، سال آینده سود و تورم را فقط روی همان ۱۰۰ میلیارد اولیه حساب می‌کنند، نه روی ۱۲۳ میلیارد در حالی که محاسبات باید م‌ر کب باشد.

یکی از مباحث این روز‌های جامعه کار گری، زمه‌های تغییر مبنای محاسبه مستمری از «دو سوال آخر خدمت» به «کل دوران خدمت» است. منتقدان معتقدند با توجه به تورم لجام‌گسیخته، این تغییر ضربه شدیدی به معیشت باز‌ننشستگان خواهد زد.
د این طرح چقدر جدی است و مختصات دقیق آن چیست؟

این طرح کاملاً جدی است و هم‌اکنون به طور مستمر در حال مذاکره و چکش کاری آن با تشکل های کار گری، کانون‌های کارفرمایی، باز‌نشستگان مجلس و دولت‌هستیم تابه‌صورت تدریجی پیاده‌سازی شود.

باید یک سوء تفاهم بزرگ را همین‌جا بر طرف کنیم. اگر قرار باشد مبنای محاسبه، میانگین «یالی» حقوق کل دوران خدمت باشد، مشابه آنچه در قانون برنامه پنجم توسعه آمده بود، من هم معتقدم که کار گر به شدت و به شکل وحشتناکی متضرر خواهد شد چرا که ارزش ربال ۵ سال پیش با امروز قابل قیاس نیست و مطلقاً به‌دنبال چنین روش ناعادلانه‌ای نیستیم.

مدلی که ما مطرحی کردیم بر مبنای «ضرب» است و سه ویژگی بسیار حیاتی دارد:

نخست این قانون مطلقاً عطف به ماسبق نمی‌شود یعنی کسانی که ظرف ۴ تا ۵ سال آینده باز‌نشسته می‌شوند، دقیقاً با همین فرمول فعلی محاسبه خواهندشد. این قانون تنها برای کسانی اعمال می‌شود که بیش از ۵ سال به‌باز‌نشستگی آنها زمان باقی است.

دوم، محاسبه به نرخ روز و حفظ ارزش پول. در این فرمول، محاسبه می‌کنیم که دستمزد کار گر در ۵ سال پایانی خدمت، در هر سال «چند برابر حداقل حقوق همان سال» بوده‌است. مثلاً سال اول ۳ برابر، سال دوم ۴ برابر و سال سوم ۴ برابر. سپس میانگین این «ضرب‌اب» (مثلاً ضرب ۳) به دست می‌آید. در گام نهایی، این عدد در حداقل حقوق «روز باز‌نشستگی» ضرب می‌شود. به این ترتیب، تورم به طور کامل و ۱۰۰ درصدی پوشش داده می‌شود.

سوم، افزایش در یافتی مستمری بگیری. محاسبات کارشناسی نشان می‌دهد با اعمال این روش علمی، حقوق در یافتی متوسط باز‌نشستگان بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از روش فعلی خواهد شد.

چه منفعتی برای خود سازمان در این طرح نهفته است؟
نفع بزرگ سازمان، خشک‌شدن ریشه فرار بیمه‌ای است. مایا بدیده‌مخرب ۳۰ درصدی فرار بیمه‌ای موجب‌هست، به‌این معنا که کار گر و کار فرما در سال‌های اولیه خدمت توافق می‌کنند تا حقوق واقعی را در لیست بیمه درج نکنند و تنها در دو سال پایانی، دستمزد واقعی ثبت می‌شود. با تصویب این قانون، کار گزار از همان سال‌های قبل مر اقبال است که دستمزد واقعی‌اش در لیست بیمه ثبت شود، زیرا این داند مستقیماً در حقوق باز‌نشستگی‌اش تأثیر خواهد داشت. با این ساختار، خود کار گر تبدیل به بازرس سازمان تأمین اجملعی می‌شود.

دار و خانه‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی است. برنامه‌شمار برای تسویه این دیون چیست؟

تخصیص آن ۷۰ همت اوراق قطعی به علاوه آن ۱۰۳۵ همتی که ذکر کردم، صرفاً و قانوناً برای تسنویه مطالبات دانشگاه‌های علوم پزشکی، دار و خانه‌ها و مراکز در مانی خصوصی است و حق نداریم آن را در محل دیگری هزینه کنیم. روند تبدیل این اوراق به نقدینگی کمی زمان‌بر است. سازمان برنامه و بودجه باید ابلاغ اعتبار کند، خزانه‌داری کل از طریق بورس آن را عرضه کند، پول به خزانه واریز شود و مجدداً سازمان برنامه دستور تخصیص بدهد. با این حال، حدود ۹٫۸ همت از این اوراق را نقد کردیم. البته خزانه در روزهای پایانی ماه اولویت را به پرداخت حقوق کارمندان دولت می‌دهد و مابا تاخیر ۷-۸ روزه پول را دریافت می‌کنیم اما همین مبالغ به زودی تزریق می‌شوند. با این منابع، مطالبات دی‌ماه‌ای به‌طور کامل تسویه می‌کنیم و به فاصله کوتاهی، مطالبات بهمن و اسفند نیز پرداخت خواهد شد. در مجموع، با آن ۷۰ همت اوراق، کل بدهی‌های سال گذشته مابه‌بیش در مان صفر می‌شود و رقم ۱۰۳۵ همت بعدی نیز می‌تواند هزینه‌های ۵ ماه‌آز سال جاری را پوشش دهد.

روی میزان واقعی بدهی دولت به تأمین اجتماعی مناقشه وجود دارد. سازمان این رقم را حدود ۷۵۰ همت اعلام می‌کند، دولت ارقام بسیار پایین‌تری را می‌پذیرد ولی کارشناسان مستقل و فعالان کار گری معتقدند با محاسبه دقیق ارزش پول، این بدهی بیش از ۱۷۰۰ همت است. ریشه این اختلافات بنیادین چیست؟

در رویه‌های بودجه‌ریزی و حسابداری، تفکیک کامل اعمال می‌شود. در حال حاضر موجودی دفتری حساب بیمه بیکاری ما منفی نیست. محاسبات اکچوئری و استانداردهای تفریق بودجه کاملاً رعایت می‌شود و اگر پولی از منابع دیگر برای این بخش هزینه کنیم، در صورت‌های مالی سالانه، سازمان به‌عنوان به‌دکار صندوق بیمه بیکاری ثبت می‌شود.

بر اساس قانون بودجه ۱۴۰۵، دولت چه میزان تعهد مالی در قبال تأمین اجتماعی دارد و فرآیند تحقق آن به چه صورت پیش می‌رود؟
در قانون بودجه، رقم تعهدات دولت حدود ۲۹۴ تا ۲۹۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده اما آنچه در قالب ردیف‌های بودجه‌ای و جاری قطعی شده، رقمی بالغ بر ۲۷۷ هزار میلیارد تومان است. از این رقم، سهم نقدینگی، بسیار ناچیز و تنها حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان است. مابقی شامل ۲۰۷ هزار میلیارد تومان اوراق و ۲۰۷ هزار میلیارد تومان سهام است. نکته حائز اهمیت این است که در پیوسته قانون ذکر شده حداقل ۵۰ درصد از این ۲۰۷ همت سهام باید توسط دولت به صورت اوراق منتشر شود. با این حال، این رقم در سقف مجاز انتشار اوراق دولت دیده نشده. در حال

تعامل با مجلس و دولت هستیم تا با اصلاح قانون بودجه، این رقم به سقف انتشار اوراق مجاز دولت اضافه‌شود.
بسی از چالش‌های مزمن تأمین اجتماعی، بدهی به مراکز درمانی،

پیش‌بینی می‌کنیم با بازگشایی مجدد کارگاه‌ها، حدود ۵۰ هزار نفر از این افراد انصراف دهند و آمار نهایی به ۲۰۰ هزار نفر برسد. از این تعداد متقاضی، تاکنون ۱۷۰ هزار پرسونده توسط ادارات کار تأیید شده‌است. مانیز فرآیندها را تسریع کردیم و در شرایطی که قبلاً پرداخت‌ها به آخر ماه م‌وکل می‌شد، اکنون به محض تیک خوردن پرسونده در سامانه، ظرف یک هفته حقوق بیمه بیکاری را پرداخت می‌کنیم و تا هفته گذشته در یافتی ماه اول ۱۰۰ هزار نفر از این افراد واریز شده‌است.

اگر قرار باشد مبنای محاسبه، میانگین «ریالی» حقوق کل دوران خدمت باشد، مشابه آنچه در قانون برنامه پنجم توسعه آمده بود، من هم معتقدم که کار گر به شدت و به شکل وحشتناکی متضرر خواهد شد

همه چیز روال طبیعی داشت تا اینکه در روزهای پایانی اسفند، دولت تصمیم گرفت عیدی کارمندان را دو برابر کند. این تصمیم قابل دفاع بود اما به‌صورت پیش‌بینی نشده، بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان بار مالی جدید و فوری برای ما ایجاد کرد. در آن شرایط حساس و بحرانی پایان سال، ناچار شدیم برای تأمین این مبلغ و راد بازبینی بانکی شویم و ووامی باسود ۲۳ درصد در یافت کنیم. منابع اسفندماه به‌سخنی قنایت کرد و توانستیم از این بی‌عجز بچور کنیم. اما واقعیت این است که ت‌و‌ز در هزینه ما در سال جاری، نسبت به اسفندماه به‌دنیایافته‌است.

آمارهای نگران‌کننده‌ای از متقاضیان بیمه بیکاری منتشر شده و برخی منابع از ثبت ۵۰۰ هزار تقاضا خبر دادند. آیا این آمار مورد تأیید است و بار مالی آن چگونه مدیریت می‌شود؟

خیر، آمار ۵۰۰ هزار متقاضی به‌هیچ‌عنوان صحت ندارد. طبق دقیق‌ترین داده‌های ما، کل ثبت‌نامی‌های سامانه بیمه بیکاری از ابتدای اسفند تا پایان خرداد، حدود ۹۰ هزار نفر بوده‌است. سازمان در شرایط کاملاً عادی نیز ماهانه حدود ۱۰ هزار نفر ورودی بیمه بیکاری دارد. بنابراین حدود ۴۰ هزار نفر از این آمار، روال طبیعی سیستم است و ارتباطی به بحران‌ها ندارد. لذا حداکثر تعداد کسانی که متأثر از شرایط خاص اخیر متقاضی شده‌اند، حدود ۲۵۰ هزار نفر است.



سالاری با اعلام کسری هزاران میلیارد تومانی ابر صندوق باز‌نشستگی کشور در ماه:

فرمول محاسبه مستمری حتماً تغییر می‌کند

اشاره به شوک‌ها و بحران‌های مقطعی کردید. این رخ داده‌ها چه تأثیری بر جریان در آمدی سازمان گذاشته؟

در خردادماه سال ۱۴۰۴ و جنگ ۱۲ روزه، دقیقاً آن روز طلایی که موعد اصلی و پیک وصول حق بیمه‌ها از کارفرمایان بود، در میانه این ۱۲ روز قرار گرفت. این تلاقی باعث شد در یک ماه با کسری عظیم ۲۳ تا ۲۴ هزار

میلیارد تومانی مواجه شویم و هیچ راهی برای پرداخت حقوق مستمری بگیران نداشتیم. در نهایت با مساعدت ویژه «محمد شافریزین» در بانک م‌ر ک‌ری دستور شخص رئیس جمهور، خط اعتباری اختصاص یافت و پرداخت مستمری انجام شد. نمونه بعدی در دی‌ماه قطعی اینترنت رخ داد. از آنجا که حدود ۹۸ درصد پرداختی‌های مادر بستر سامانه‌های غیر حضوری انجام می‌شود، مجدداً یافت شد و ورودی منابع و کسری ۱۵ هزار میلیارد تومانی در یک ماه مواجه شدیم.

برای جبران این کسری‌ها، چه حمایت‌هایی از سوی دولت و مجلس صورت گرفت؟

برای عبور از این بحران‌ها، بگیری‌های فشرده‌ای انجام دادیم و توانستیم در ماه‌های مهر و دی، دو مصوبه کلیدی از شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای اردیبدون دولت اخذ کنیم. مصوبه اول رقمی معادل ۱۸۵ هزار میلیارد تومان شامل ۷۰ همت اوراق مالی و ۱۱۵ همت سهام بود اما از آنجا که سهام به‌تنهایی مشکل نقدینگی را حل نمی‌کرد، مصوبه دومی با ارزش ۱۸۰ هزار میلیارد تومان گرفتیم تا بتوانیم با کمک نظام بانکی، این سهام را به پول نقد تبدیل کنیم. در همین مصوبه دوم بود که بازگشت بانک رفاه نیز اتفاق افتاد. از محل این تدابیر، نیمی از آن ۱۸۰ همت صرف افزایش سرمایه شد و ۹۰ همت پول نقد به دست آوردیم. بانک م‌ر ک‌ری هم مکلف شد آن ۷۰ همت اوراق مصوبه را برای ما نقد کند. این ۱۶۰ همتی نقدینگی، سازمان را به یک وضعیت کاملاً پایدار رساند.

همه چیز روال طبیعی داشت تا اینکه در روزهای پایانی اسفند، دولت تصمیم گرفت عیدی کارمندان را دو برابر کند. این تصمیم قابل دفاع بود اما به‌صورت پیش‌بینی نشده، بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان بار مالی جدید و فوری برای ما ایجاد کرد. در آن شرایط حساس و بحرانی پایان سال، ناچار شدیم برای تأمین این مبلغ و راد بازبینی بانکی شویم و ووامی باسود ۲۳ درصد در یافت کنیم. منابع اسفندماه به‌سخنی قنایت کرد و توانستیم از این بی‌عجز بچور کنیم. اما واقعیت این است که ت‌و‌ز در هزینه ما در سال جاری، نسبت به اسفندماه به‌دنیایافته‌است.

بیمه بیکاری نگران‌کننده‌ای از متقاضیان بیمه بیکاری منتشر شده و برخی منابع از ثبت ۵۰۰ هزار تقاضا خبر دادند. آیا این آمار مورد تأیید است و بار مالی آن چگونه مدیریت می‌شود؟
خیر، آمار ۵۰۰ هزار متقاضی به‌هیچ‌عنوان صحت ندارد. طبق دقیق‌ترین داده‌های ما، کل ثبت‌نامی‌های سامانه بیمه بیکاری از ابتدای اسفند تا پایان خرداد، حدود ۹۰ هزار نفر بوده‌است. سازمان در شرایط کاملاً عادی نیز ماهانه حدود ۱۰ هزار نفر ورودی بیمه بیکاری دارد. بنابراین حدود ۴۰ هزار نفر از این آمار، روال طبیعی سیستم است و ارتباطی به بحران‌ها ندارد. لذا حداکثر تعداد کسانی که متأثر از شرایط خاص اخیر متقاضی شده‌اند، حدود ۲۵۰ هزار نفر است.

تنها برای پرداخت حقوق مستمری بگیران کسری داریم در حالی که بخش در مان هزینه‌ای بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان در ماه دارد که از محل وصول حق بیمه‌ها تأمین نمی‌شود لذا ناچاریم منابع بخش در مان را از طریق راه‌های جایگزین نظیر وصول مطالباتمان از دولت، فروش سهام و اگزار شده و انتشار اوراق تأمین کنیم.

ما مدل جدیدی در تهران را با مشارکت بانک‌های ملت، تجارت و رفاه عملیاتی کردیم. در این ساختار، اگر بیمه‌انکار بانهادی ۱۰۰ میلیارد تومان از ما طلبکار باشد، ما به جای پرداخت نقدی، اوراق الکترونیکی داخلی یا اصطلاحاً «توکن» به ارزش ۱۱۰ میلیارد تومان باسررسید یک‌ساله به او اگزار می‌کنیم. حال اگر این فرد به سازمان بدهی نداشته باشد، می‌تواند این اوراق را در بازار ثانویه، مثلاً به قیمت ۹۰ میلیارد تومان به کارفرمایی که به سازمان ما بدهکار است بفروشد. آن کارفرمائیز با ارائه این توکن به ما، بدهی خود را تسویه می‌کند. این یک زنجیره برد-برد است؛ طلبکار زودتر به نقدینگی می‌رسد و به‌دکار نیز تخفیف قابل توجهی در پرداخت حق بیمه خود در یافت می‌کند. حتی بانک‌ها پیشنهاد دادند که اگر نتوانستیم به‌دکاری برای فروش این اوراق پیدا کنیم، خودشان مستقیماً و ا‌ر عمل شده و مشتری پیدا کنند. اگر بتوانیم این مکانیزم را به‌درستی در سطح کلان پیاده کنیم، پتانسیل این رادارد که سالانه بین ۶۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی جدید برای سازمان خلق کند. منابع از توقف جریان خدمات رسانی شود.

اخیراً اعلام شده که تأمین اجتماعی ماهیانه ۴۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد. ریشه این عدد چیست و آیا چنین کسری مستمری وجود دارد؟

ما حقوق ماه‌های فروردین و اردیبهشت را بر مبنای احکام سال گذشته پرداخت کردیم. پس از ابلاغ احکام جدید، مابه‌التفاوت این دو ماه محاسبه شد که برای حقوق بگیران بود

من به هیچ وجه نگفتم که ماهانه ۴۰ همت کسری ساختاری داریم. آن عدد به بحث معوقات باز‌نشستگان مربوط می‌شد. ما جزا از این قرار بود که ما حقوق ماه‌های فروردین و اردیبهشت را بر مبنای احکام سال گذشته پرداخت کردیم. پس از ابلاغ احکام جدید، مابه‌التفاوت این دو ماه محاسبه شد که برای هر ماه دقیقاً ۴۱ هزار میلیارد تومان بود. متأسفانه رسانه‌ها این عدد خاص را که مربوط به مابه‌التفاوت احکام بود، به اشتباه به عنوان کسری ثابت ماهانه سازمان مخایره کر دند. در مورد زمان پرداخت معوقات هم باید بگویم فعلاً مشخص نیست ولی در اولین فرصتی که منابع تأمین شود، پرداخت فوراً انجام می‌شود. **وضعیت بدهی‌های سازمان به نظام بانکی، یکی از چالش‌های نگران‌کننده است. ترکیب این بدهی‌ها به چه شکل است و چه نسبتی با مطالبات شماز دولت دارد؟**

بیش از یک‌سوم از کل بدهی‌های بانکی ما مستقیماً مربوط به هزینه‌های بخش در مان است. مابقی نیز بدهی به خطوط اعتباری بانک م‌ر ک‌ری است که عملیات انتقال آن صرفاً از طریق بانک رفاه انجام شده؛ به این معنا که ما از منابع داخلی بانک رفاه استفاده نکردیم و به خود این بانک بدهکار نیستیم، بلکه بانک رفاه تنها نقش کار گزار بانک م‌ر ک‌ری داشته‌است.

در حال حاضر رقمی معادل ۷۵ هزار میلیارد تومان به بانک م‌ر ک‌ری بدهکاریم. ریشه این استقراض مابه‌بحران‌ها و شوک‌های مقطعی بازمی‌گردد؛ ۳۰ همت رادر جریان شوک اول در یافت کردیم، ۳۰ همت در بحران دوم و ۱۵ همت نیز از قبل بدهکار بودیم که مجموعاً می‌شود ۷۵ همت. از سوی دیگر، مطالبات قطعی ما از دولت بالغ بر ۷۵۰ هزار میلیارد تومان است.

سازمان تأمین اجتماعی که در مان و معیشت نیمی از کشور را بر دوش می‌کشد، این روزها با کسری ماهانه ۱۷ هزار میلیارد تومانی برای پرداخت مستمری‌ها و کسری ۴۰ همتی در بخش در مان و بدهی‌های نجومی دولت دست و پنجه نرم می‌کند.

«مصطفی سالاری» مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی در گفت و گو با ایلنا، ضمن تشریح شرایط موجود، درباره راهکارهای تأمین مالی، نحوه تسویه بدهی‌ها با شبکه بانکی، جزئیات طرح تغییر مبنای محاسبه مستمری‌ها و سایر انجام طلب ۷۵۰ هزار میلیارد تومانی تأمین اجتماعی از دولت پاسخ داده که این گفت و گو را در ادامه می‌خوانید.



حوزه مسئولیت تأمین اجتماعی را بطا مستقیمی با معیشت آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه دارد. در شرایط فعلی اقتصاد هر چه فشار بر منابع مالی و کارفرمایان افزایش می‌یابد، مدیریت تأمین اجتماعی نیز به‌مراتب پیچیده‌تر و حساس‌تر می‌شود. این تضاد میان کاهش توان کارفرمایان و افزایش مطالبات به حق بیمه‌شدگان چگونه قابل مدیریت است؟

ما همواره در قبال جامعه کار گری و باز‌نشستگان تعهدات مستمر و غیرمستمر را برپه‌و هر چه شرایط اقتصادی سخت‌تر می‌شود، حساسیت کار نیز بیشتر می‌شود. کارفرمایی که منابع مالی سازمان را از طریق پرداخت حق بیمه تأمین می‌کنند، با تنش‌های شدیدی مواجه‌اند. جامعه هدف ما هم در شرایط معیشتی دشوارتری قرار دارد که به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانیم به‌بهانه مشکلات، محدودیت یا تأخیری در ارائه خدمات مان اعمال کنیم.

کرده. با این وجود، تأمین اجتماعی بالاترین نرخ رشد را در احکام حقوقی مستمری بگیران اعمال کرد و در یافتی حداقل بگیران حدود ۲۰ درصد رشد داشت در حالی که میزان افزایش حقوق کارمندان دولت، نیروهای مسلح و باز‌نشستگان کشوری رقمی حدود بیست و چند درصد بود. با این حال قبول داریم که تمامی اقشار ثابت بگیر از جمله حقوق بگیران تأمین اجتماعی، شرایط بسیار سختی را سپری می‌کنند.

آمار جامعه تحت پوشش مابه‌قدری بالاست که اگر تنها یک عدد کوچک در احکام جابه‌جا شود یا بین دو تفسیر از یک قانون یکی را مینا قرار دهیم، می‌تواند ماهانه بین ۵ تا ۶ هزار میلیارد تومان تفاوت مالی و بار هزینه‌ای جدید ایجاد کند. قلباً تمایل داریم بر پرداختی‌های بیشتری داشته باشیم اما واقعیت این است که مضایق و محدودیت‌های مالی بسیار جدی است. در این شرایط طاقت فرسا اگر یک مدیر بتواند مانع از زمین خوردن سیستم و توقف خدمات رسانی شود، ارزش کارش بسیار بیشتر از مدیریت در شرایط عادی است. البته تأمین اجتماعی در گذشته نیز و روزهای نادی نداشت اما اکنون وضعیت کاملاً دشوار است. در سازمان نهایت تلاش خود را می‌بیندیم تا با وجود وضعیت دشوار کارفرمایان، ماهانه بین ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار میلیارد تومان منابع جمع‌آوری کنیم تا خللی در پرداخت‌ها ایجاد نشود.

گمانه‌زنی‌های زیادی درباره ناترازی و کسری بودجه تأمین اجتماعی مطرح است. تصویر واقعی از تراز مالی سازمان چیست؟

اگر بخواهم بسیار خوش‌بینانه صحبت کنم و اگر بتوانیم در بهترین حالت ممکن تمامی حق بیمه‌های جاری را وصول کنیم، باز هم دستکم ماهانه ۱۷ هزار میلیارد تومان تنها برای پرداخت حقوق مستمری بگیران کسری داریم

جولانی در عین رد مداخله در لبنان، از احتمال توافق امنیتی با اسرائیل سخن گفت؛

رویارویی نظامی با حزب الله؛ «بعید، اما نه غیرممکن»



رامین پرتو

سبوره طی روزهای اخیر بار دیگر به یکی از کانون‌های اصلی توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی و امنیتی منطقه تبدیل شده‌است؛ موضوعی که بخش مهمی از آن به‌مواضع اخیر احمدالشرع رئیس دوره انتقالی سوریه، در گفت و گو با شبکه الجزیره باز می‌گردد. اظهاراتی که در ظاهر دو محور مهم داشت: اعلام مذاکره دمشق برای دستیابی به یک توافق امنیتی با اسرائیل و تأکید بر اینکه سوریه به‌قصدمداخله نظامی در لبنان راد ندارد. با این

آن اهمیت دارد. بنابراین، ترکیه احتمالاً با هر اقدامی که دمشق را وارد یک جنگ فرسایشی با حزب‌الله کند، با احتیاط بر خورد خواهد کرد؛ زیرا چنین جنگی می‌تواند بی ثباتی را در مرزهای جنوبی و منطقه‌ای افزایش دهد و برنامه‌های آنکارا برای مدیریت تحولات سوریه را پیچیده‌تر کند.

ترامپ می‌تواند الشرع را وارد جنگ با حزب الله کند؟

پرسش اصلی اکنون این است که آیا دونالد ترامپ و دولت آمریکاقادر خواهند بود احمدالشرع را به سمت رویارویی مستقیم و نظامی با حزب‌الله سوق دهند؟ پاسخ را باید در شرایط فعلی «دیدمان غیرممکن» دانست. آمریکابازارهای متعددی برای اعمال فشار بر دمشق در اختیار دارد؛ از جمله موضوع تحریم‌ها، روابط دیپلماتیک، حمایت سیاسی و اقتصادی و همچنین نقش واشنگتن در معادلات منطقه‌ای. الشرع نیز برای خروج سوریه از اثر او بین المللی و بازسازی اقتصادی به حمایت غرب نیاز دارد.

بنابراین فشار آمریکامی‌تواند تصمیمات دمشق را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد آمریکابرای دستیابی به هدف خود الزاماً به دنبال ورود مستقیم ارتش سوریه به لبنان نیست و واشنگتن می‌تواند؛ دمشق خواهد نقش سیاسی و امنیتی بیشتری در فشار بر حزب‌الله ایفا کند، مرزهای خود را کنترل کند، همسیرهای انتقال سلاح را محدود سازد و در هماهنگی با دولت لبنان برای کاهش نفوذ حزب‌الله اقدام کند. این مدل برای الشرع نیز قابل قبول‌تر از جنگ مستقیم است.

درواقع، راهبرد محتمل دمشق آن است که میان خواسته‌های آمریکاو محدودیت‌های داخلی و منطقه‌ای خود تعادل ایجاد کند. الشرع می‌تواند با توافق امنیتی با اسرائیل، از تشدید فشارهای تل آویو بکاهد؛ با آمریکا همکاری‌هایی محدود داشته باشد؛ در پرونده لبنان نقش سیاسی ایفا کند؛ اما از ورود به جنگی که می‌تواند موجودیت سیاسی دولت او را به خطر بیندازد اجتناب کند.

بنابراین، به‌عبادت ترامپ نتواند الشرع را به‌سادگی و به‌طور مستقیم وارد جنگی تمام‌عیار با حزب‌الله کند، مگر آنکه مجموعه‌ای از مشوق‌های بسیار بزرگ اقتصادی و سیاسی در اختیار دمشق قرار گیرد یا شرایط منطقه‌ای به گونه‌ای تغییر کند که هزینه بی طرف ماندن برای سوریه از هزینه ورود به جنگ بیشتر شود. حتی در آن صورت نیز، احتمالاً دمشق ابتدا به سمت فشار سیاسی، کنترل مرزها و همکاری امنیتی حرکت خواهد کرد؛ نه به‌عزم مستقیم نیرو به لبنان.

به جنگی مستقیم با حزب‌الله، آن هم در خاک لبنان، می‌تواند به معنای باز شدن جبهه‌ای باشد که پیامدهای آن برای دمشق قابل پیش‌بینی نیست. سبوره در شرایط کنونی نه از ظرفیت نظامی و اقتصادی لازم برای چنین جنگی برخوردار است و نه می‌تواند مطمئن باشد که در صورت ورود به درگیری، حمایت کامل بازنگران خارجی را به‌دست خواهد آورد. حتی ترکیه، که یکی از مهم‌ترین بازنگران خارجی در معادلات سوریه محسوب می‌شود، بنا بر گزارش‌های منتشر شده نسبت به پیامدهای ورود دمشق به جنگ با حزب‌الله هشدار داده‌است.

از سوی دیگر، الشرع به دنبال آن است که نقش سوریه در لبنان را به‌طور کامل نفی نکند، بلکه تعریف جدیدی از آن ارائه دهد. این نقش می‌تواند سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی باشد، اما نه لزوماً نظامی.

سوریه جدید؛ فرصت یا تهدید؟

رفتار کشور های منطقه در قبال سوریه جدید نیز نشان می دهد که دمشق در حال تبدیل شدن به یک میدان رقابت تازه است. هر یک از بازنگران منطقه‌ای، سوریه را از زاویه منافع خاص خود می‌نگرند و انتظار متفاوتی از دولت الشرع دارند.

آمریکا و اسرائیل در همین چارچوب تلاش می‌کنند تا با استفاده از معادلات امنیتی منطقه می‌دانند. از نگاه واشنگتن، دمشق می‌تواند در صورت فاصله گرفتن از برخی حواشی سیاست خارجی، به عاملی برای محدود کردن نفوذ حزب‌الله و کاهش پیوندهای منطقه‌ای مخالفان اسرائیل تبدیل شود. تأکید الشرع بر توافق امنیتی با تل آویو نیز در همین چارچوب اهمیت پیدا می‌کند. این توافق می‌تواند برای اسرائیل به معنای کاهش تهدید از جبهه سوریه و برای دمشق به معنای کاهش احتمال عملیات نظامی اسرائیل و ایجاد فضای بیشتر برای تثبیت داخلی باشد.

عربستان نیز به دنبال تقویت نفوذ خود در سوریه به‌است، اما رابطه ریاض و دمشق الزاماً رابطه‌ای مبتنی بر تبعیت کامل نیست. الشرع به حمایت مالی عربستان نیاز دارد اما همزمان نمی‌خواهد خود را به‌بازر سیاست منطقه‌ای ریاض تبدیل کند. امتدات نیز با توجه سر مایه‌گرای‌های بزرگ در سوریه به دنبال افزایش حضور اقتصادی و سیاسی خود است، در حالی که قطر بیشتر در حوزه حمایت مالی از ساختار دولت سوریه نقش داشته‌است.

همچنین ترکیه جایگاهی تعیین کننده دارد. آنکارا سوره را بخشی از یک محیط امنیتی گسترده‌تر می‌بیند که تحولات لبنان و عراق نیز در